

ماجراجویی‌های زوج آمریکایی

کشف تاریخ و مردم در سفر به ایران

یاسمن طاهریان | دن و آدری، زن و شوهر ماجراجو، شغل کارمندی خود را رها کردند و با ۶ چمدان و دو بیلیت یک‌طرفه سانفرانسیسکو را به مقصد پراگ (جمهوری چک) ترک کردند. همه از آنها می‌پرسیدند: «شما دیوانه شده‌اید؟» دنیل نول، فارغ‌التحصیل مدیریست بازرگانی از دانشگاه کورنل در نیویورک و آدری اسکانت، فارغ‌التحصیل ام‌بی‌ای از دانشگاه کالیفرنیا آمریکاست. آنها بعد از پنج‌سال زندگی و کار در پراگ دوباره کوله‌پشتی‌هایشان را برداشتند و این بار به بانکوک در تایلند رفتند. آنها عهد کرده بودند که مقصدشان دیگر فقط یک کشور نباشد، بلکه همه‌جای دنیا باشد. همه فکر می‌کردند که این دو عقلمندان را از دست داده‌اند، در حالی که این زوج انتخاب کردند که آزادانه زندگی کنند تا یک روز به عقب نگاه نکنند با این افسوس که: ای کاش...

سفری که قرار بود یک‌سال و نیم طول بکشد، هفت‌سال ادامه یافت و به‌شبهه زندگی این زوج در این دنیای بزرگ و شگرف تبدیل شد. آنها مسایلی اینترنتی هم به نام **Uncornered Market** ایجاد کردند، با هدف به اشتراک گذاشتن شگفتی‌های دنیای اطراف، زیبایی‌هایی که ممکن است به علت مشغولیات روزمره متوجه آن نباشیم. دلیل دیگر ایجاد این پایگاه مجازی برقراری ارتباط با مردم دنیا و حضور در شبکه‌های اجتماعی، وبلاگ‌ها و کانفرانس‌ها از طریق به اشتراک گذاشتن عکس‌ها و سفرنامه‌هاست.



در میان مطالب گوناگون این سایت بخشی هم به ایران اختصاص دارد. علاقه این زوج به ایران به زمانی برمی‌گردد که به پراگ سفر کرده بودند، زمانی که با زوجی آشنا شدند که تازه از سفر به ایران بازگشته بودند. آنها از مهمان‌نوازی و انسانی دوستی مردم ایران برایشان گفتند و تیسری کاملاً متغافل با آنچه در اخبار دیده می‌شد، برایشان به تصویر کشیدند: تصاویری از معماری بناها و موزیک‌های رنگی گنبد‌ها که در هیچ کجای دنیا ندیده بودند. بعد از آن با ایرانیان خارج از کشور دوست شدند. آنها از کشورشان و شعرهای فارسی‌گفته شده در آنجا یاد داشتند.

دن و آدری ایران را آخرین مقصد خود در سفر دور دنیا انتخاب کرده بودند ولی فرصت سفر به ایران چندسال پیش به‌وجود آمد و آنها از این فرصت استفاده کردند. آنها سفرشان را از تهران آغاز کردند، به همدان، اهواز، شیراز و تخت‌جمشید، یزد، اصفهان و ایبانه رفتند، سپس با تمدید یک‌هفته‌ای سفر خود از دریای خزر، رشت، ماسوله، اردبیل و تبریز دیدن کردند.

آنها سفرنامه‌ای نوشتند از آنچه در ایران دیدند و عکس‌های بسیاری از فضاهای شهری، معماری و مردم در سایت‌شان منتشر کردند. بخش‌هایی از این سفرنامه را می‌بینید.

طراحی مسجد جامع - یزد

یزد یکی از شهرهای مورداطلاع ما در ایران است. این شهر تاریخی زرتشتی پایگاه کوربی مردمی است که از جنگ و ظلم و ستم در مناطق دیگر کشور گریخته‌اند. بافت قدیمی این شهر از خشت‌های قهوه‌ای قرمز رس ساخته شده تا هم با کویر اطراف هماهنگی داشته باشد و هم داخل بنا خنک نگه دارد.

ما سرمان را بالا کردیم تا بهترین زاویه را پیدا کنیم. با کمک نوری که از پنجره‌های نزدیک می‌تابید، سروکله یک طاووس، که تا آن لحظه دیده نمی‌شد، با دم درخشان نقاشی شده، پیدا شد. گاه صدای تعجب افراتیان شنیده می‌شد که طاووس را کشف کرده بودند.

مسجد ایرانی قرن هفدهمی و طاووس درخشانده روی طاقش. تمام فضا را طراحی‌های عمیق و غنی پر کرده. خطاطی و کاشی‌کاری در این مسجد مانند خیلی از مساجد دیگر ایران خیره‌کننده است، حتی در دیکشنری تصویری، برای معنای کلمه «خیره‌کننده» (dazzling) تصویری از داخل مساجد ایران را می‌بینید.

همان‌طور که خیره شده بودیم، بچه‌های اردوی مدرسه دختری وارد شدند. داشتیم راه می‌رفتیم که آنها توجه همه را به خود جلب کردند. فقط نیمی از آنها به راهنمایان گوش می‌دادند. وقتی سخنرانی تمام شد، دور ما جمع شدند، ما سوال‌های آنها را جواب می‌دادیم، پرسش‌هایی از قبیل این که از کجا آمده‌ایم، کجاها را در ایران دیدیم و راجع به ایران چه نظری داریم. آنها ما را به کنسرتی در بعدازظهر همان روز دعوت کردند. ایمیل‌ها ردوبدل شدند. از ما می‌پرسیدند: «فیس‌بوک دارید؟» در طول سفرمان در ایران طاووس و مردم هر دو شگفت‌انگیز بودند.

خانه‌های مخروطی - کندوان

بزرگترین بازار سنگ‌فرش دنیا، میراث جهانی ثبت‌شده در یونسکو، این بازار تبریز است. در عمق آن پیرمردان، فروشندگان فرش‌های قدیمی چای می‌نوشند، قلیان می‌کشند و فقط چهار ساعت در روز کار می‌کنند. تن صداها پایین است، ارتباط در حال شکل گرفتن است و معامله در حال انجام شدن.

فرش‌های ایرانی در تمام دنیا به کیفیت و مدلشان معروفند. آنها به‌راستی اثری هنری هستند که سال‌ها طول کشیده تا با زحمت فراوان با دست‌های چالاک و ماهر بافته شوند. فرش تبریز در دانه فرش‌های ایرانی است (محلی‌های اصفهان و مشهد ممکن است با این نظر مخالف باشند) و البته، هرچه پاخورده‌تر، گران‌تر.

مسجد شاه چراغ

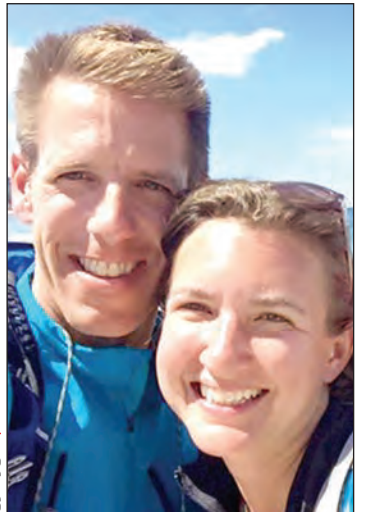
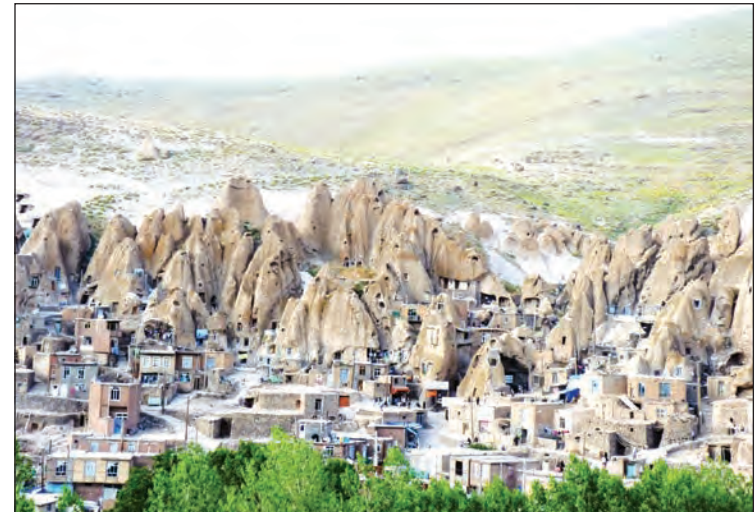
راهنمای تور گفت: «می‌خواهم یک چیزی نشانان بدهم که هیچ‌وقت ندیده‌اید.» مسجد شاه چراغ. آرامگاه است، یکی از جاهایی که برای عبادت و ستایش در ایران کاربرد دارد، ولی این مسجد شبیه یک گوی بلورین است. بازی بزرگ نور در این آرامگاه جریان دارد. در هر حال، این مکان را آیت‌الله‌ای کشف کرده که از فاصله دور دنبال نوری می‌رفته. بعد از حفر معلوم شد که منشأ این نور از جسد زره‌پوشی با انگشتی به‌دست در قبرستانی است که روی آن نوشته شده «فتخار از آن خداست، احمد این موسی».

چشم‌هایت که به این تکرنگی عادت می‌کنند، وقتی با رنگ‌های روشن فیروزه‌ای و طراحی ظریف اسلامی ایرانی در مسجد جامع مواجه می‌شوی، احساس می‌کنی که عینک سه‌بعدی زده‌ای. وقتی مدتی به نقش‌ونگار مسجد خیره می‌شوی، خوشنویسی، تقارن و نمادگرایی با چشمانت بازی می‌کند و تو را به سمت خودش می‌کشاند. سرت گیج می‌رود.

وقتی به این مسجد نگاه می‌کنی، به تاریخ ۹۰۰ ساله‌اش توجه کنی؛ به نقش‌ونگار محراب، به طاقچه نیم‌دایره‌ای که نشان‌دهنده مسیر کعبه در مکه است. این جاز ۱۳۶۵، یکی از شگفت‌انگیزترین محراب‌های ایران به شمار می‌رود. به بالا نگاه کنی و از دیدن ستاره‌های روی گنبد لذت ببری.

مسجدی با طاووس پنهان - اصفهان

جواد، راهنمای تور، زمانی که ما را به زیر طاق کاشی‌کاری شده و طلاکاری شده مسجد شیخ لطفاله در اصفهان برد، گفت: «گر در زمان مناسب به بنده نگاه کنی، یک طاووس خواهید دید.»



احساس کردم که تازه می‌توانم عظمت ایران باستان را درک کنم. احساس کردم ایرانی‌های باستان به دنبال ایده‌آلی بودند که امروز هنوز به ذهن ما نرسیده است.

ما به گوشه‌های رسیدیم که رویه‌روی آن پلکان بزرگی است که به قصر آپادانا می‌رسد. دیوار عظیمی از نقش‌های برجسته آدم‌هایی که به صف ایستاده‌اند چشمان مرا خیره کرد. صدای راهنمای تور به گوش می‌رسید: «این نقش برجسته اعضای ۲۳ قوم وابسته به امپراتوری هخامنشی را نشان می‌دهد که از خانه خود برای شاه‌شاهان هدیه می‌آوردند.»

مانند لنز دوربین، چشم‌مان به ریزه‌کاری‌های کنده‌کاری روی سنگ‌ها - موهبا، صورت‌ها، ریش‌ها، کلاه‌ها و لباس‌ها، کادوهای در دست‌شان نزدیک‌تر شد. این که بعد از ۲۵۰۰ سال هنوز می‌توانید هر بیچش مویی در ریش‌ها، مژه‌های شترها و پوست صاف سربازان که دست‌درست هم دارند را تشخیص دهید، واقعا تماشایی است.

جواد ادامه داد: «اینها اهل اتیوپی‌اند. از موهبا و صورت‌شان مشخص است. اتیوپی بیشترین ملت دورستانند. توجه کنید چگونه سربازان ماد و پارس آنها را با دست‌انسان راهنمایی می‌کنند که نشان‌دهنده دوستی است.»

هر کدام از شهروندان هر ملیت مانند مصری، آسوری، هندی، تاجیکی و غیره به راحتی قابل شناسایی بودند. شکل ظاهری آنها و نشانه‌های فرهنگی آنها در سنگی ۵۰۰ سال قبل از میلاد حفظ شده است.

این کنده‌کاری‌ها بیش از ۲۵۰۰ سال قدمت دارند اما هنوز می‌توان شباهت‌هایی میان اقوام نشان‌دهنده مدرن امروزی پیدا کرد. این گونه جزئیات به نظر من کاراکتر امپراتور هخامنشی را تعریف می‌کند: امپراتور باستانی چند ملیتی بر پایه احترام به فرهنگ‌های گوناگون با وجود وفاداری یگانه به یک پادشاه.

دیوار دروازه کشورها این آرمان را در سنگی برای همه ما به جای گذاشته است. همان‌طور که راه می‌رفتیم، به یاد صحبت‌هایی که با ایرانی‌ها که در خیابان داشتیم، می‌فکرادم: «ما فرهنگ بزرگی داشتیم، تمدنی بزرگ.»

منشور بزرگ حقوق بشر کوروش

زمانی که در بیوش بزرگ این قصر را در پرسپولیس ساخت پدرزنش، کوروش بزرگ سعی داشت بنیان احترام متقابل در امپراتوری هخامنشی را بنا کند. کوروش در این استوانه بابلی (۵۳۹ قبل از میلاد)، نخستین گفته‌های ثبت‌شده از حقوق بشر، بیان بردباری و مذهب، برابری زبانی و نژادی در تمام امپراتوری را مطرح کرده است.

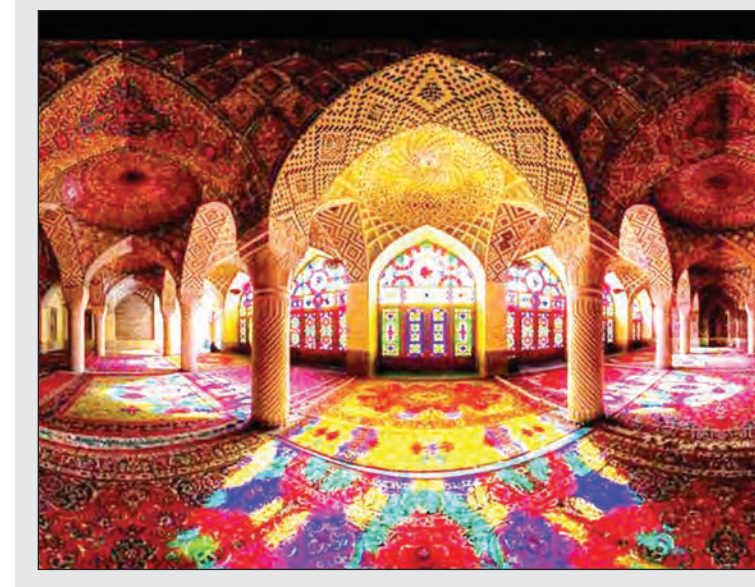
تاریخ به ما می‌گوید که تمدن‌های بزرگ آمدند و رفتند، از خاک برخاستند و سقوط کردند، بالا رفتند و فرو ریختند. امروزه ما ماشین‌آلات و ابزار ساخت حتی پایتخت‌ها و قصرهای بزرگتر از پرسپولیس را در اختیار داریم، اگرچه، دنیای ما به واسطه ملت‌های بزرگ هنوز راه‌هایی برای رسیدن به آرمان‌های بردباری و برابری پیدا می‌کند که کوروش ۲۵۰۰ سال پیش آرایه کرده است.

منبع: آنکور نزد مارک



کاخ گلستان

پادشاهان سلسله قاجار می‌دانستند چگونه خوش بگذرانند. (برخی معتقدند که به خرج رعیت و کشورشان خوش می‌گذرانند، اما این کاملاً داستان دیگری است.) نگاهی به داخل اتاق پرزرق‌وبرق و کاشی‌کاری شده خلوت کریم‌خانسی در تهران بیندازید. تصور کنید شاهان قاجاری ۲۰۰ سال پیش در هوای خنک روی تخت با قلیان نشسته‌اند و منتظرند با رعیت خود از روی تخت مرمری دیدار کنند. وقتی به عکس نگاه می‌کنید حتماً به سقف آن خیره شوید.



مسجد صورتی، شیراز

هیچ چیزی مانند نور صبحگاهی که از پنجره‌های با شیشه‌های رنگی می‌گذرد نیست؛ بر روی فرش ایرانی طراحی می‌کنند و در میان ستون‌های صورتی که بی‌نقص کاشی‌کاری شده‌اند. این شیستان زمستانی در مسجد صورتی شیراز است. وقتی وارد مجموعه مسجد نصیرالملک (که به نام مسجد صورتی هم معروف است) شدیم، در ابتدا به نظر می‌آمد جاذبه اصلی آن بنا بیرونی با کاشی‌کاری پیچیده و ظریف است. بعد وارد نمازخانه زمستانی شدیم و فهمیدیم که اشتباه می‌کردیم. وقتی به عکس نگاه می‌کنید تصور کنید وسط اتاقی با گرمای نوری که از شیشه‌های رنگی عبور می‌کند، نشسته‌اید. احساس زیبایی است. جای زیبایی است.